

بک کار جدی در حوزه طنز منتشر شد

طنزنویسی از زبان طنزنویسان

«طنزنویسی از زبان طنزنویسان» نوشته نسیم عرب امیری با نگاهی به شیوه نگارش طنزپردازان ممتاز معاصر منتشر شد. این کتاب با شمارگان ۲۵۰نسخه و قیمت ۱۶۵هزارتومان در انتشارات سوره مهر عرضه شده است.آن‌گونه که خبرنگاری ایسنا نوشته، در معرفی این کتاب آمده است: این کتاب در ۱۰فصل (شامل طنز منظوم، طنز منثور، داستان طنز، طنز مطبوعاتی، طنز تصویری، طنز رادیویی، طنز اینترنتی، پژوهش طنز، ترجمه طنز و طنز کودک و نوجوان) ضمن بیان الفبای اولیه ورود به این حوزه ها، مخاطب علاقه مند به طنزنویسی را با تجربیات طنزنویسان مطرح و برجسته معاصر آشنا می‌کند.

عرب امیری، مؤلف این کتاب، ضمن بیان مقدمه ای در هر بخش به شیوه ها و شگردهای نوشتن گونه های مختلف طنز پرداخته و سپس برای آشنایی بیشتر مخاطب با شگردهای طنزنویسی، گفت‌وگوهایی تخصصی با طنزنویسان سرآمد در هر حوزه نظیر زنده یاد ابوالفضل زرویی نصرآباد، فرهاد حسن زاده، محمدعلی علومی، اکبر اکسیر و حسین یعقوبی داشته است.

نویسنده در مقدمه کتاب از دغدغه هایش برای نگارش کتاب این طور می نویسد: «در حوزه هایی همچون فیلمنامه نویسی یا نمایشنامه نویسی کتاب هایی شامل گفت‌وگوهایی با استادان و سردمداران آن حوزه منتشر می شود تا کسانی که امکان ملاقات و گفت‌وگو با آن ها را به هر دلیلی ندارند با شیوه کار و نظرات صاحب نظران آن حوزه آشنا شوند و به این شکل انتقال تجربه انجام شود.در حوزه طنز شاید به خاطر ماهیتی که دارد تاکنون آن چنان کار جدی انجام نشده است و غالب طنزنویسان بزرگ هم روزگاران نیز حوصله بیان تجربیات و نظریات خود را نداشتند و ندارند. این چنین می شود که در دوره ای آزمون و خطا، جای انتقال تجربیات را می‌گیرد و هر نسل از جایی شروع می‌کند که نسل قبل از او شروع کرده است و به جایی می‌رسد که نسل قبل از او رسیده است!»



خوشه طلایی به انگلیسی منتشر شد

کتاب «خوشه طلایی» به قلم افسانه موسوی گرمارودی با تصویرگری فاطمه مثاله، روایتی از زیبایی های بخشش برای کودکان است که خرداد ۱۴۰۲از سوی انتشارات به نشر روانه بازار کتاب شده است. اکنون نیز خبر رسیده است که این کتاب با ترجمه فاطمه تی سوداگر توسط انتشارات به نشر به زبان انگلیسی منتشر و روانه بازار نشر

شده است. در این کتاب ماجرای خوشه گند می روایت می شود که دوست دارد نان شود، اما زمانی که بیدار می شود دیگر خوشه ای در مزرعه نیست. او به تنهایی تصمیم می‌گیرد به آسیاب برود، اما در مسیر راه بیشترین گندم خود را به دیگران می بخشد. این کتاب در ۱۶ صفحه، شمارگان ۲هزار نسخه و قیمت ۳۰هزار تومان عرضه شده است.

درباره کتاب «جامعه‌شناسی شبکه اجتماعی اینستاگرام در ایران» واکاوی یک شبکه همه گیر

کتاب«جامعه شناسی شبکه اجتماعی اینستاگرام در ایران» اثری از پرنیاضی پور (جامعه شناس و پژوهشگر ایرانی) است که سال ۱۴۰۱ توسط انتشارات «اندیشه احسان» منتشر شده است. این کتاب برای اولین بار به بررسی شبکه اینستاگرام و تأثیرات آن در جامعه ایرانی می پردازد.

شبکه اجتماعی اینستاگرام یکی از شبکه های پرترفدار و پرکاربرد در ایران است که لزوم بررسی جامعه شناختی آن امری ضروری محسوب می شود. در واقع پژوهش و کنکاش علمی درباره شبکه های اجتماعی و فناوری های نوین، نظیر شبکه اجتماعی اینستاگرام و تأثیرات آن ها بر جامعه و افراد بسیار مهم و کاربردی است. از سوی دیگر، شبکه های مجازی و به صورت ویژه، شبکه اجتماعی اینستاگرام چنان در زندگی و فرهنگ ما رسوخ پیدا کرده اند که طیف های مختلفی نظیر گروه های سنی، فرهنگی، سیاسی، شغلی و جنسیتی

با این شبکه مانوس شده اند، به گونه ای که وقت زیادی از زمان خود را صرف این شبکه اجتماعی می کنند.

کتاب «جامعه شناسی شبکه اجتماعی اینستاگرام در ایران» چهار فصل با عنوان های تعاریف، تحلیل محتوا و گونه شناسی صفحات کاربران ایرانی، رویکردها و نظریه ها و تدوین نظریه لطمه فرهنگی دارد.

زین قدیر

علیرضا حیدری |مدرس ویراستاری

ناوبراسته

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی: هر هنرمندی که قانون کشور را رعایت نکند قطعاً مورد برخورد قرار می گیرد.

ویراسته

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی: قطعاً با هر هنرمندی که قانون کشور را رعایت نکند، برخورد می شود.

نکته

«مورد برخورد قرار می گیرد»، عبارتی طولانی و خلاف زبان معیار است.

#زین_قدیر_پارسی

دکتر نعمت ا... فاضلی در نشست در آستانه سالروز پایان سرایش شاهنامه از نوروز گفت:

نوروز، انسانی ترین آیین ایرانی است

عکس:حسن بخشنده شولاز

هر منطقه ای از ایران که احساس بکنند نوروز آن ها را طرد می کند؟ نه وجود ندارد. برای همین است که فراگیرترین آیین ایرانی است. اینکه می گویم نوروز امروزی است، چون در بنیان معنایی اش مشارکت، به رسمیت شناختن، اعتبار بخشیدن و احترام نهادن به حقوق بشر وجود دارد. برای همین است که دیرینه ترین آیین، امروزین آیین ایرانی هم هست.

نوروز مدنی ترین آیین ایرانی است

نوروز امروز در عین حال مدنی ترین آیین ایرانی است. هیچ آیینی وجود ندارد که به اندازه نوروز مدنی باشد. نیازمند هیچ ایدئولوژی، هیچ آیین نامه و دستور از بالا و پایین نیست. نیازمند هیچ سازمان سیاسی نیست. نوروز از نورو ن های نوروزی مغزهای ایرانی سرچشمه می گیرد. در تمام تاریخ هم نوروز مدنی بوده، حتی وقتی دستگاه های سیاسی خواسته اند از نوروز استفاده کنند باز نوروز مدنی باقی مانده است. نوروز امروز، نوروز انسانی است. نوروز برای انسان هاست، با انسان هاست. انسان به معنای دقیق کلمه، انسانی که می خواهد زندگی کند، رشد کند، یاد بگیرد، آزاد باشد، احترام ببیند، هویت داشته باشد و انسانی که می خواهد در جهان با هر ویژگی ای که دارد خلاقانه زیست کند. نوروز به این معنا انسانی است. انسانی ترین آیین ایرانی است. یعنی انسان ایرانی و نوروز نوروزی به گونه ای است که هسته معنایی آن به لحاظ معنایی تا به امروز انسانی باقی مانده است. این آیین چون انسانی است، به هر سرزمینی که ایرانی ها می روند پذیرفته می شود، بدون تنش و چالش و تعارض، در آمریکا و اروپا و امریکای لاتین و آفریقا و... در هر جایی که انسان ایرانی هست، آیین نوروز بدون تنش پذیرفته شده است. جهان از نوروز استقبال می کند. دلیلی بنیادین در این وجود دارد. چون نوروز با فطرت انسانی تطبیق پیدا کرده است. چون نوروز با نیازهای وجودی انسان تطبیق پیدا کرده است. تعارض ها را می‌کاهد و بر شادی ها می افزاید. توجه ما را به طبیعت جلب می کند. آیین سربلندی و عزت و شادی و انسان گرایی است. در آیین های نوروزی چهره ها تابان است، دل ها شاد است، بدن ها زیباست، فضای نوروزی فضای بخشش و گذشت است. این ها همه نوروز امروزی است.

نوروز آیین نو شدن و تغییر است

ویژگی بنیادین جامعه معاصر تغییر است. روز نو روزی است که مقام تغییر و پویایی را پاس می داریم. روزی است که آماده می شویم تا با زاندیشی کنیم و خود را تغییر دهیم. نو شدن آرمان دنیای مدرن است. نوروز امروزی آیین پاسداری نو شدن است. معمولاً خودکامگان، محافظه کاران با تغییر سر ستیز دارند. به هزار دلیل. نوروز مقاومت نو شدن در برابر آن فضای متصلبی است که می‌کوشد گذشته را مرجع خودش کند. اما نوروز می‌کوشد گذشته را پاس بدارد، همچون منبع، نه مرجع. نوروز به ما اتصال و پیوند با ریشه ها و تاریخ را می دهد و در عین حال ما را هل می دهد به جلو. که تغییر کنیم و نو شویم. نو به معنایی که بتوانیم خیر و نیکی و خوبی را بیشتر تولید کنیم. نوروز آیین زندگی بیشتر و بیشتر از زندگی است.

به دنبال مال اندوزی نبود. به دنبال کسب افتخارات هم نبود. تمام تلاش او صرف نزدیکی بیشتر به حقیقت شد. نتیجه سه دهه کار در حوزه ترجمه و انس با مفاهیم قرآن در بزرگ ترین اثر طاهره تجلی یافت. ترجمه مفهومی و روان قرآن به زبان فارسی و انگلیسی، مهم ترین اثر او در طول زندگی اش بود. پیش از آن، ترجمه قرآن به زبان انگلیسی تنها توسط افراد غیرمسلمان و غیرایرانی انجام شده بود. آخرین آرزوی طاهره صفارزاده بیش از مرگ برآورده شد. آرزویی که سال ها در سرش پروراند بود و می دانست تا آن را به سرانجام نرساند، برای مرگ آماده نخواهد شد.

عالی ترین، والاترین، دیرین ترین و فراگیر ترین آیین ایرانی خدشه دار بکند، دلیلش همین است. هر کس با هر ایدئولوژی محکوم شده به اینکه – حتی اگر قلباً هم نوروز را نمی خواهد- تظاهر به احترام به نوروز کند. بنابراین، این نورو ن های نوروزی هستند که انسان امروزی ایرانی را دارند هدایت می کنند. نوروز امروز و انسان امروز ایرانی در هم تنیده اند. ما می دانیم که نوروز شادی است. آن هم شادی پایدار، هیجان نیست. رضایت پایدار است از بودن و زیستن و ایرانی بودن، ایرانی اعم از ترک و کرد و عرب و بلوچ و فارس یا هر گویش و زبان یا هر مرام و آیینی، به جز سیه رویان و تبه کاران که به آن ها کاری نداریم.

نوروز شادی پایدار است

این نورو ن های نوروزی چگونه عمل می کنند؟ شما در زندگی روزمره تان چند کار را انجام می دهید که حاصل نورو ن های نوروزی است. یکی این است که ما ایرانی ها شادی نوروزی را با تمیزی تعریف کرده ایم. این اتفاق کوچکی نیست که تمیزی، پاکی و سلامت را گره زده ایم با نوروز. هیچ آیین دیگری نداریم که تمیزی و سلامت محیط و بدن و فضا را در خودش تعریف کرده باشد. در فلسفه اسطوره ای نوروز، ایرانیان باستان بر این باور بوده اند که نوروزی روز پیروزی خیر است بر شر. این خبر چیست؟ یکی از وجوه خیر تمیزی است. برای همین است که خانه ها را در آستانه نوروز چنان پاک و تمیز می کنند که هر نوع کثیفی، تیرگی و تاری را بزدايند تا خیر در اشیای خانه هم دیده شود. بدن های نوروزی خودشان را به زیباترین و چه می آرایند تا زیبایی در بدن ها دیده شود، زیبایی خیر است. به همین ترتیب ما نوروز را در تجربه روزمره مان می بینیم و می‌کوشیم تا پیروزی خیر بر شر، زیبایی بر زشتی، روشنی بر تاریکی و خوبی بر بدی را تحقق ببخشیم. نوروز امروزی به این معنا شادی پایدار را می آفریند.

نوروز آیینی است که حضور همگان را می پذیرد

از شگفتی های نوروز این است که هم دیرین است و هم امروزی ن. شگفتی شاعرانه نوروز در این است که دیرین ترین آیین ایرانی است، اما در عین حال امروزی ترین آیین هم هست. چون شما در نوروز هیچ مانعی برای زندگی نمی بینید. نوروز عین زندگی است. هیچ عنصری از معنای نوروز مانع زندگی، سلامت، زیبایی و با هم بودن نیست. هیچ عنصر نوروزی طردکننده نیست، آدم ها را به دوسته زشت و زیبا یا به چپ و راست و دسته بندی های دیگر تقسیم نمی کند. نوروز دموکراسی است به معنای دقیق کلمه. مشارکت همگان با هر مذهب، هر نژاد، هر زبان، هر جنسیت و هر موقعیت است. زندگی واقعی واقعی امروزی در واژه دموکراسی معنا پیدا می کند. دموکراسی یعنی همه انسان ها ارزشمندند، همه انسان ها حق مشارکت دارند، همه انسان ها می توانند دیده شوند. همه فرهنگ ها، همه زبان ها، همه گروه ها با هر ویژگی ای به رسمیت شناخته می شوند. نوروز امروزی ترین آیین ایرانی است. تنها آیین ایرانی است که این مشارکت، این به رسمیت شناختن، این اعتبار بخشیدن به همگان با هر زبان و فرهنگ و هر ویژگی را تضمین می کند و می پذیرد. شما جایی را می شناسید، هر جمعیت یا گروهی در

نوروز و سازمان

ما تقریباً شصت روز از سال را از اوایل اسفند تا پایان فروردین با نوروز زندگی می کنیم. یکی از ویژگی های نوروز امروز این است که طول آن شصت روز است. ما در عصر سازمان ها زندگی می کنیم. سازمان های ما یا نوروز سامان پیدا می کنند، حساب و کتابشان، گردش مالی شان و حتی آنجایی که می خواهند روح و انرژی و سرمایه عاطفی سازمان را ارتقا بدهند، از نوروز برای ارتقای آن استفاده می کنند. در نوروز محبت های بین مدیر و کارکنان و فضای اخلاقی سازمان ارتقا پیدا می کند.

نوروز و شهر

شهرهای ما شصت روز نوروزی می شوند. خیابان ها و رفت و آمدها و گرمی و رونق شهر را در این شصت روز می بینیم. شهرها، شهرهای نوروزی می شوند، آن هم به شیوه مدنی، نه حکومتی. شهروندان در محلات و خیابان های اصلی و فرعی، شهر را نوروزانه می کنند. از اول اسفند تهران و خیلی از شهرهای ایران نوروزی شده است. البته در ۴۵سال اخیر زمان نوروز بسط پیدا کرد. زمانی که من بچه بودم، این قدر طولانی نبود که حتماً می دانید دلیلش چیست. البته من آرزو می کنم ۲۶۵ روز سال نوروزی شود.

نوروز و ساختار آموزشی

نوروز در ساختار آموزشی ماتنیده شده است، مدارس و دانشگاه ها و... البته نه اینکه در کتاب ها خیلی روی نوروز تأکید کنند و بخواهند دانش آموزان ما ساختار عاطفی و شناختی نوروزی پیدا کنند، اما خانواده ها و دانش آموزان و دانشجویان و دل های نوروزی که در نهاد های آموزشی هستند با نوروز انس و الفتی پیدا کرده اند. برنامه درسی لاجرم با تعطیلات و فراغت نوروزی تنیده شده است.

نعمت ا... فاضلی:

هیچ عنصر

نوروزی طردکننده نیست، آدم ها را به دوسته زشت و زیبا یا به چپ و راست و دسته بندی های دیگر تقسیم نمی کند. نوروز دموکراسی است به معنای دقیق کلمه

نوروز امروزی در حوزه عمومی رخ می دهد. وقتی می گویم نوروز امروز، دیگر فقط بحث داستان تاریخی یا اسطوره ای نوروز نیست. داستان نوروزی است که امروز دارد ساخته می شود. اتفاق جالبی که افتاده این است که ما دیگر نوروز را در خانه ها جشن نمی گیریم؛ در فرهنگ سراها، آموزشگاه ها، مراکز فرهنگی و در حوزه عمومی شهر داریم جشن می گیریم. می خواهیم نوروز را در کنار هم و با هم به رخ جهانیان و سیاست بکشیم. این است نوروز امروزی. اجداد ما در هزار سال پیش در فرهنگ سرا گرد هم نمی آمدند.

نوروز در نورو ن های مغزی انسان ایرانی

تحقیقات امروزی علوم اعصاب و علوم شناختی نشان می دهد که وقتی ملتی برای مدتی طولانی با رسمی، آیینی یا عاداتی زندگی می کند، مغز او آن گونه شکل می گیرد. مغز انسان ایرانی مغز نوروزی است. نورو ن های نوروزی در مغز ما هست. اینکه هیچ کس، هیچ نیرو و هیچ ایدئولوژی ای نتوانسته و نخواهد توانست شأن و قدر و ارزش نوروز را به عنوان

نوروزی می خواهیم از طاهره صفارزاده

بنویسیم یا از او یاد کنیم، عناوین و

افتخارات پشت سرهم صف می کنند. شاعر، مترجم، قرآن پژوه،

منتقد ادبی، نظریه پرداز، محقق... طاهره کدام یک از این هاست؟ کدام بعد او بر دیگری برتری دارد؟ آیا می شود طاهره شاعر را از طاهره مترجم تفکیک کرد؟ همه این شدن های متفاوت یک معنا بیشتر ندارد، «صفارزاده انسان بزرگی است.» اما منشأ بزرگی او در سروده ها یا ترجمه هایش است؟ یا افتخارات و دستاوردهای او؟ این، بخشی از نوشتاری است که معصومه رامهرمزی، نویسنده و پژوهشگر درباره طاهره صفارزاده نوشته است که با هدف اهمیت معرفی و الگوسازی و کسب تجارب بانوان اثرگذار، به تاگی در خبرگزاری ایبنا منتشر شده است. شخصیت خاص و متفاوت او به علاوه زندگی و زمانه اش، همه از نکاتی است که در این نوشتار به آن اشاره شده است. آنچه می خوانید گزیده ای است از این مطلب.

«آثار و افتخارات ملی و بین المللی صفارزاده، از عمر پربرت و همت والای او خبر می دهد. اما چیزی فراتر و والاتر از این ها از طاهره شخصیتی خاص و متفاوت ساخته است. او انسان بزرگی است، زیرا در طی هفتاد و دو سال زندگی پربلند، هرگز تسلیم رنج و مصائب روزگار نشد و امتحانات سخت زمانه نه تنها او را از پا در نیآورد، که از او انسانی خاص و متفاوت ساخت. صفارزاده همه دارایی ادبی و علمی خود را صرف ساختن جامعه و آینده کرد. شعر برای او تنها بیان احساس و شور درونی نبود. شعر صفارزاده در عین عمق و لطافت، رنگ اجتماعی و سیاسی داشت. دغدغه او در سروده هایش، انسان و سرنوشت و تاریخ بود.

طاهره به سبب برخورداری از روحیه معنوی، از سال ۱۳۵۱ به سرودن اشعار مذهبی پرداخت. از کتاب «سفر پنجم» او به خاطر شعر معروف «سفر عاشقانه» استقبال زیادی شد. اشعار اجتماعی و مذهبی طاهره در سال های پیش از انقلاب و پس از آن، مخاطبان

کسی که تسلیم مصائب روزگار نشد

درباره زندگی و زمانه طاهره صفارزاده

وقتی می خواهیم از طاهره صفارزاده بنویسیم یا از او یاد کنیم، عناوین و افتخارات پشت سرهم صف می کنند. شاعر، مترجم، قرآن پژوه، منتقد ادبی، نظریه پرداز، محقق... طاهره کدام یک از این هاست؟ کدام بعد او بر دیگری برتری دارد؟ آیا می شود طاهره شاعر را از طاهره مترجم تفکیک کرد؟ همه این شدن های متفاوت یک معنا بیشتر ندارد، «صفارزاده انسان بزرگی است.» اما منشأ بزرگی او در سروده ها یا ترجمه هایش است؟ یا افتخارات و دستاوردهای او؟ این، بخشی از نوشتاری است که معصومه رامهرمزی، نویسنده و پژوهشگر درباره طاهره صفارزاده نوشته است که با هدف اهمیت معرفی و الگوسازی و کسب تجارب بانوان اثرگذار، به تاگی در خبرگزاری ایبنا منتشر شده است. شخصیت خاص و متفاوت او به علاوه زندگی و زمانه اش، همه از نکاتی است که در این نوشتار به آن اشاره شده است. آنچه می خوانید گزیده ای است از این مطلب.

«آثار و افتخارات ملی و بین المللی صفارزاده، از عمر پربرت و همت والای او خبر می دهد. اما چیزی فراتر و والاتر از این ها از طاهره شخصیتی خاص و متفاوت ساخته است. او انسان بزرگی است، زیرا در طی هفتاد و دو سال زندگی پربلند، هرگز تسلیم رنج و مصائب روزگار نشد و امتحانات سخت زمانه نه تنها او را از پا در نیآورد، که از او انسانی خاص و متفاوت ساخت. صفارزاده همه دارایی ادبی و علمی خود را صرف ساختن جامعه و آینده کرد. شعر برای او تنها بیان احساس و شور درونی نبود. شعر صفارزاده در عین عمق و لطافت، رنگ اجتماعی و سیاسی داشت. دغدغه او در سروده هایش، انسان و سرنوشت و تاریخ بود.

طاهره به سبب برخورداری از روحیه معنوی، از سال ۱۳۵۱ به سرودن اشعار مذهبی پرداخت. از کتاب «سفر پنجم» او به خاطر شعر معروف «سفر عاشقانه» استقبال زیادی شد. اشعار اجتماعی و مذهبی طاهره در سال های پیش از انقلاب و پس از آن، مخاطبان

اشته ۲۰ اسفند ۱۴۰۲
۲۹ بهمن ۱۴۴۵
شماره ۲۱۶۲

۱۰

فرهنگ و ادبیات